

فروستن چشم بر ایام

حسین عبده تبریزی

از چهارشنبه 9 خرداد تا پایان روز جمعه 18 خرداد عملاً کشور تعطیل و دفتر و دستک‌ها بسته بود. نه روز؛ زمانی طولانی. با میانگین عمر 75/59 سال در ایران، 9 روز برابر است با 0/28 درصد عمر باقی مانده‌ی من. و این البته خیلی زیاد است. باید کاری می‌کردم که با اندک سردردهایی که این روزها گرفتار آنم هم تحمل‌پذیر باشد. تصمیم گرفتم یکی از کارهای عقب‌افتاده از عید سال 97 را انجام دهم: مروری بر کتاب‌هایی که از دوستان مختلف در ایام عید به رسم عیدی دریافت کرده‌ام. توجه به تنوع عنوان کتاب‌های ارسالی این عزیزان خود لذت‌بخش است و یادم می‌آورد که از هر قشری دوست و آشنا دارم. رهین منت این عزیزانم که هر یک به سلیقه و انگیزه‌ای، عنوانی را برگزیده‌اند.

دوستی کتاب در صحبت حافظ استاد حسین الهی قمشه‌ای را فرستاده‌اند؛ کتابی در هزار صفحه و با پیشگفتاری 141 صفحه‌ای؛ به سیاق دکتر الهی که جمع‌بندی از آنچه می‌خواهد بگوید دشوار است. در مرور پیشگفتار، استادی با حافظه‌ی درخشان و زبان نرم و عارفانه می‌یابید که در بیان هر موضوع و در تأیید هر نظری، بیت‌هایی از حافظ، سعدی، مثنوی و اشعار خودش شاهد می‌آورد.

عنوان‌های پیشگفتار بیانگر خطی است که الهی پیش می‌برد: «معشوق یگانه و وحدت وجود»، «وحدت عشق و عاشق و معشوق»، «شراب حافظ»، «حافظ و ملامتیان»، «حافظ و قران»، «غوغای جبر و اختیار». پس می‌توان گفت که در پیشگفتار بلند خود، مؤلف می‌خواهد وجوه متنوع شخصیت حافظ را نشان دهد.

پس از آن، مؤلف نسخه‌ی تصحیح خود از غزلیات حافظ را ارائه می‌کند. هر غزل با شرح کامل بر مبنای برداشت‌ها و تصویرپردازی‌های الهی قمشه‌ای و با اشاره به وزن غزل، بیان عروضی و ضرب‌آهنگ موسیقاری آن. این کتاب در سری «جوانان و فرهنگ جهانی» انتشارات سخن در سال 96 انتشار یافته، و بیانگر آن است که مؤلف چه مخاطبانی را برای کتاب خود در نظر گرفته است. برای همچو منی که خواننده‌ی آماتور (غیر حرفه‌ای) اشعار فارسی هستم، کتاب این فرصت را فراهم می‌آورد که هر از گاهی غزلی را انتخاب کنم و با مطالعه‌ی شرح الهی بر آن غزل، بکوشم درک درستی از مقصود خواجه‌ی شیراز بدست آورم.

کتاب بعدی ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی عجم اوغلو و رایینسن است که آقایان جعفر خیرخواهان و علی سرزعی ترجمه کرده‌اند. اگر 1500 نسخه‌ی کتاب که در سال 1390 توسط انتشارات کویر منتشر شده، تمام نشده و این کتاب خوب به چاپ دوم نرفته باشد، باید افسوس خورد به وضع نشر در این مرزوبوم. دارون عجم اوغلو اندیشمندی متولد استانبول ترکیه است که هنوز به 50 سالگی نرسیده و در سنین زیر 40 سال به استادی مدرسه‌های درجه‌ی یک اقتصاد جهان چون مدرسه‌ی اقتصاد لندن و دانشگاه ام‌ای تی رسیده است. قبلاً از وی متن انگلیسی چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ را خوانده‌ام. آن کتاب را هم آقایان میردامادی و نعیمی‌پور ترجمه کرده‌اند. کار عجم اوغلو در عرصه‌ی اقتصاد سیاسی است.

بحث اصلی کتاب چرا ملت‌ها شکست می‌خورند آن است که اگر می‌خواهیم به فقر یا کامیابی و رفاه ملت‌ها پردازیم، ناچاریم به سیاست در آن کشورها پردازیم، به‌ویژه به نقش نهادها در عملکرد اقتصادی ملت‌ها...؛ باید نهادهایی داشته باشیم که انگیزه برای نوآوری و سرمایه‌گذاری و ایجاد شرایط مساوی برای همه دارند و متأسفانه این نهادها کمتر یافت می‌شوند. آنچه بیشتر یافت می‌شود «نهادهای عصاره‌کش» و رانت‌خواری است که چند نفر

از نخبگان جامعه طراحی کرده‌اند که از بقیه جامعه بهره‌کشی کنند و انگیزه برای نوآوری و سرمایه‌گذاری ایجاد نمی‌کنند. بعد کتاب مفصل مثال می‌زند و مثلاً کشورهای امریکای جنوبی و شمالی را مقایسه می‌کند که در اولی نهادهای عصاره‌کش و استثمارکننده شکل گرفته و در دومی نهادهای خلاق انگیزه برای نوآوری و سرمایه‌گذاری. دو فصلی که از کتاب ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی خواندم، به نظر همان خط و خطوط کتاب اول مؤلفان را دنبال می‌کند. کتاب آمیخته‌ی جالبی از اقتصاد و سیاست است. اجزای تشکیل‌دهنده‌ی دموکراسی را تشریح می‌کند و آن را با سیاست‌های غیردموکراتیک مقایسه می‌کند. می‌کوشد شیوه‌های تحکیم دموکراسی را شرح دهد و بگوید در این مسیر «کودتا» چه نقشی دارد. مدل‌هایی برای دموکراسی ارائه می‌دهد و می‌گوید ساختار اقتصادی متوازن با آن کدام است. به هر حال عجم‌اوغلو اقتصاددانی میان‌رو است که طرفدار بازار است، بدون این که مشکلات بازار را نادیده بگیرد. تسلط او و همکاری‌اش جیمز رابینسن بر تاریخ در همه‌ی کتاب‌هایی که با هم کار کرده‌اند، اجازه می‌دهد که طرح موضوعات اقتصادی در چارچوب اقتصاد سیاسی را با موفقیت پیش برند.

دوست دیگری لطف کرده و کتاب رستاخیز کلمات استاد محمدرضا شفیعی کدکنی را برایم فرستاده که گفتارهایی درباره‌ی فرمالیست‌های روس است. قسمت‌هایی از کتاب را قبلاً خوانده بودم و بعضی مباحث آن در حوزه‌ی بلاغت را خیلی قبل‌ها، شاید حتی قبل از انقلاب، از نوشته‌ها یا مصاحبه‌های شفیعی کدکنی دریافته بودم. شفیعی کدکنی را از روزهای آخر دهه‌ی 40 که تازه به دانشگاه رفته بودم، در روزهایی که بیشتر او م. سرشک بود تا شفیعی کدکنی، از آن روزها می‌شناسم؛ از روزهای کوچه‌های نیشابور؛ از روزهای شریعتی و م. آزر (نعمت میرزازاده). آن روزها ترکیب آنان را اندیشمندان مسلمان خراسانی می‌شناختم و بعدها فراگرفتم که استاد شفیعی کدکنی افق ذهنی بسیار گسترده‌تری از چارچوب فرهنگی و فکری خاصی دارد. از همان روزها شیفته‌ی

اشعارش بودم، و بعدها که با تحلیل‌ها و آثار منثورش آشنا شدم، اندیشمندی پژوهشگر و ادیبی محقق یافتم که عمری است کارهایش را دنبال می‌کنم. حتی اخوان ثالث را از دریچه چشم او شناختم و نیز علاقه به غزل‌های سایه (هوشنگ ابتهاج) از روزی شروع شد که استاد شفیعی کدکنی از سر لطف و بزرگواری در فروردین 1370، کتاب *آینه در آینه* را به من هدیه داد تا برگزیده‌ی ایشان از اشعار سایه را بخوانم. حتی آشنایی من با سبک هندی و غزل‌های بیدل دهلوی با مطالعه‌ی گزیده‌های شفیعی از آن شاعر (شاعر *آینه‌ها*) در سال 1366 فراهم آمد و از آن مسیر بود که به خواننده‌ی کلاسیک افغانی «سر آهنگ» علاقه‌مند شدم که شعرهای بیدل را می‌خواند. اگر هم با سواد محدودم می‌خواستم مولوی بخوانم، به سراغ *گزیده‌ی غزلیات شمس شفیعی کدکنی* می‌رفتم. بیش‌تر از آنکه به هفت دفتر شعر شفیعی (*آینه‌ای برای صداهای*) یا *پنج دفتر هزاره‌ی دوم آهوی کوهی وی رجوع* کنم، پیگیر کارهای تحلیلی و پژوهشی او بودم. مطالعه‌ی همه‌ی کارهای او برایم لذت‌بخش است. حتی به لطف ناشر، علی اصغر علمی، از میراث عرفانی شفیعی کدکنی، کتاب‌هایی چون *شیخ جام، ابوالحسن فرقانی، ابوسعید ابوالخیر، بایزید بسطامی ...* در اختیار من قرار گرفت که مرور می‌کنم. البته دو اثر مهم استاد یعنی *موسیقی شعر و صورخیال* در شعر فارسی را از اولین چاپ آنها که فکر می‌کنم به قبل از انقلاب برمی‌گردد، داشته و خواننده‌ام و مقداری از این دو کتاب درسی را فهمیده‌ام. حتی در پی تأیید فرزاندگی و اندیشمندی ادیب سلطانی توسط دکتر شفیعی بود که اوایل انقلاب *سنجش خردناب کانت* به ترجمه‌ی دکتر میرشمس‌الدین ادیب سلطانی را خریدم که بخوانم، اما لابد هم به دلیل پیچیدگی کتاب مؤلف و بیشتر به لحاظ معادل‌سازی‌های عجیب و غریب ادیب سلطانی، حتی یک درصد هم در فهم کتاب موفقیت نداشتم.

شفیعی کدکنی در *درسنامه‌ی رستاخیز کلمات* قدرت آمیختن نظریه‌ی ادبی فرمالیست‌های روس با شاهکاری ادب فارسی را داشته است. کتاب به دکتر حسن انوری عزیز پدیدآورنده‌ی فرهنگ سخن در آستانه‌ی هشتادمین سال

تولد وی تقدیم شده. استاد شفیعی نیز خود سال دیگر هشتاد ساله خواهند شد. مقدمه‌ی کتاب که در سال 1391 نوشته شده طوفانی است و مرا به یاد نشست مناظره‌مانند شفیعی کدکنی و اسماعیل خوبی درباره‌ی اخوان ثالث در اواخر دهه‌ی چهل می‌اندازد. استاد شاعر در این مقدمه از «روشنفکران عامی» می‌گوید و تأکید می‌کند که اینجا سرزمینی است که ... در «فرم شعر از تمام عالم بی‌نیاز است». یا می‌گوید «درست است که ما در چند قرن اخیر از اندیشیدن معافیت دایم گرفته‌ایم و با وحشیگری می‌خواهیم از قافله‌ی تمدن جلو بزنیم.» یا «... از حرف آن شیادی [قابل قبول تر] است که می‌گوید (فرم شعر من در بی‌فرمی است.) یا «بسیاری از محققان دانشگاه‌ها، که در مهم‌ترین دایره‌المعارف‌های دولتی، با خرج ملت ایران، مقالات «علمی» و «تحقیقی» می‌نویسند ریاضی‌دانان هستند که هنوز عددنویسی» نیاموخته‌اند.» ... استاد شاعر می‌باید با چنین مقدمه‌ای در مهرماه 1391، یعنی در پایان دوره‌ی احمدی‌نژاد، به جان آمده باشد که چنین عریان و بی‌پرده و تیز و تهاجمی سخن می‌گوید. این جمله‌ها و کاربرد این واژه‌ها را فقط باید در قالب دوره‌ی پراسی‌بی چون سال‌های دولت نهم و دهم تغییر کرد.

دکتر شفیعی توضیح می‌دهد که اروپای غربی و امریکا نیز خیلی دیر با این غله‌ی فکری در حوزه‌ی ادبیات و فرهنگ آشنا می‌شوند. وی حرف‌های فرمالیست‌های روس را فراتر از بسیاری مکاتب غریب نیمه‌ی دوم قرن بیستم می‌داند. کتاب فرمالیسم روسی ویکتور ارلیک را می‌ستاید و دو مرحله‌ی جریان فرمالیسم روسی را توضیح می‌دهد. کتاب آنگاه ریشه‌های فلسفی این دیدگاه و ارتباط آن را با سمبولیسم روسی نشان می‌دهد. پس از آن در مورد مفاهیم و اصطلاح‌ها در نظریه‌ی فرمالیست‌ها سخن می‌داند. «آشنایی‌زدایی» یکی از مشهورترین این اصطلاح‌هاست... بعد شفیعی کدکنی جریان‌های فرمالیسم روسی و ریشه‌های این جریان‌ها را معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد که اصطلاح «آشنایی‌زدایی» در این جریان برایش اهمیت زائدالوصفی دارد. هر چند که در همه‌ی این کتاب با آوردن شاهد‌هایی از ادبیات فارسی، می‌کوشد آمیخته‌ای سنجدیه از تحول این فرمالیسم روسی در قالب

زبان و ادبیات این مرزبوم ارائه دهد، اما فصلی کامل به آشنایی زدایی‌های حافظ اختصاص می‌دهد تا از اهمیت اصطلاح «آشنایی زدایی» بیشتر صحبت کند. من هنوز بیش از یک سوم این کتاب 500 صفحه‌ای را نخوانده‌ام تا خلاصه‌ای در خور این جا ارائه کنم. اما همان‌طور که استاد خود می‌گوید، «خودم بیش از هر کس دیگری به تکراری شدن بعضی مسائل در این کتاب وقوف دارم، ولی...» شاید کتاب از آن انسجامی که اگر استاد خود فرصت نگارش می‌داشت، برخوردار نشده است. خود می‌گوید، «همه چیز، طبق معمول درس‌های من و روش معلمی من، از حافظه بوده و فقط از حافظه. جریان کلاس را در طول ترم، پرسش‌های دانشجویان شکل می‌داد، مثل همیشه.» پس کتاب درسنامه‌ای است که استاد فقط به اتکای حافظه در آن سخن می‌گوید، و آن هم به شکل پاسخ به پرسش‌های دانشجویان کلاس و «یادداشت‌های یکی از دانشجویان» مبنای تنظیم مباحث کتاب بوده است. با این همه، همان‌طور که استاد شاعر خود می‌گوید، «این کتاب حتی برای صاحب‌نظران هم مفید است» چه رسد به همچو منی که کارم دیگر است.

دکتر شفیعی کدکنی را در نشست‌هایی به دعوت مرحوم دکتر حسن احمدی گیوی و دکتر جعفر شعار در دهه‌ی شصت و هفتاد می‌دیدم. شبی نیز در تبریز، در گذر از خیابانی، استاد را با دوستانش دیدم که فارغ از گرفتاری‌های زمانه در آرامش قدم می‌زدند. سلام و عرض ادب کردم. باید سال 1376 باشد. بعد از آن ملاقات نیز حتماً دو بار دیگر استاد را دیده‌ام. در نشست‌های با آن استاد هرگز با طرح پرسشی وقتش را نگرفتم؛ چیزی برای گفتن نداشتم، فقط گوش می‌دادم که وی با ادیبان دیگر مجلس چه می‌گوید. هر چند سخت مایل بوده‌ام به خدمتش برسم، دلم نیامده دکتر شفیعی را حتی برای ساعتی از ده‌ها پروژه‌ی تحقیقاتی که همزمان دنبال می‌کند، باز دارم. دلم برای دیدارش غنچ می‌زند، اما منطبق حکم کرده فقط از دور آثارش را دنبال کنم و از شعر و تحلیل و ذوقش لذت ببرم. دو بار در هنگامی که ناشری با دکتر شفیعی وقت ملاقات داشت، کفش و کلاه کردم که همراه بروم، به بهانه‌ی

تشکر از لطفی که در حقم روا داشته، اما باز هم نخواستم وقتش را بگیرم. بالاخره او استاد و محقق زبان و ادبیات فارسی است و من خواننده‌ی ساده‌ی کم‌سوادی در فارسی. چنین است که من هنوز مدیون لطف بی‌کران استاد دکتر شفیع کدکنی هستم که در اوایل دهه‌ی شصت، بزرگوارانه یک روز کامل را صرف نگارش توصیه‌نامه برای اینجانب کرد، بدون این که از وی حضوری تشکر کرده باشم. هنوز شرمندهم که یک روز وقت عزیز استاد را که می‌توانست صرف کاری جدی شود، بی‌دلیل گرفته‌ام.

دوستی دیگر از سر لطف گفتارهایی در معرفت‌شناسی علم اقتصاد دکتر غنی نژاد نازنین را برایم فرستاده است. قبلاً با دقت کتاب تحلیلی بسیار مفید مشترک ایشان و استاد دکتر محمد طبیبان با عنوان اندیشه‌ی آزادی را خوانده‌ام و خلاصه‌ای از آن نیز تهیه کرده‌ام که دوباره بازنشر خواهم داد. معرفت‌شناسی علم اقتصاد از جنسی دیگر است و می‌شود آن را بیشتر کتاب درسی تلقی کرد. کتاب می‌کوشد رابطه‌ی چندلایه‌ی بین تعقل نومیالیستی و علم اقتصاد را شرح دهد. دکتر غنی نژاد شناخت از علم اقتصاد را به روابط مبادله‌ای میان انسان‌ها در جامعه‌ی مبتنی بر ارزش‌های فردگرایانه پیوند می‌زند. در واقع، او از ریشه‌های فلسفی تفکرات اقتصادی صحبت می‌کند. بنابراین برای ارائه‌ی این شناخت وی ناچار است در فصول کتاب شکل‌گیری عقاید اقتصادی را به موازات شرح تحول اندیشه‌های فلسفی توضیح دهد.

فصل سوم کتاب به شناخت اندیشه‌ی اقتصادی کینز اختصاص دارد. دکتر غنی نژاد روش‌شناسی کینز در اقتصاد را تابع اندیشه‌های فلسفی مکتب کمبریج (افرادی چون برتراند راسل) می‌داند؛ می‌گوید کینز استفاده از «احتمال» را به تبع اندیشه‌های فلسفی لایبنیتز منطقی تصور می‌کرد. علم اقتصاد را به تبع سنت فلسفی رایج در کمبریج قرن 19 و 20، زیرمجموعه‌ای از علم اخلاق می‌دانست. در آن زمان، علوم به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شدند:

علوم طبیعی و علوم اخلاقی. هر چه با ذهن و رفتار انسان سروکار داشت، جزو علوم اخلاقی بود. از این رو، دکتر غنی نژاد می نویسد:

«از دیدگاه کینز، علم اقتصاد از نوع علوم غیردقیق است و برخلاف علوم طبیعی مانند فیزیک، موضوع مورد مطالعه‌ی آن تابع قواعد تغییرناپذیر و ثابتی نیست... از این رو، معتقد است روش‌های ریاضی که برای بعضی از علوم طبیعی بسیار مناسب هستند، در اقتصاد تنها کاربرد محدودی می‌توانند داشته باشند. علم اقتصاد چون قادر نیست دقت برخی از علوم طبیعی را داشته باشد، بنابراین به میزان وسیعی باید متکی به شهود و داوری مستقیم باشد و اصطلاحات مبهم‌تری را به کار گیرد.»

در بخشی با عنوان «کارد ریاضیات در اقتصاد»، مطالب جالبی می‌خوانیم:

«اغلب اقتصاددانان بر تلقی منفی کینز از استفاده از روش‌های ریاضی و آماری در اقتصاد تاکید کرده‌اند... به رغم تعلق خاطری که وی به ریاضیات داشت، کاربرد آن را در علوم اجتماعی یا به سخن خود وی علوم اخلاقی بسیار محدود می‌دانست... درباره‌ی نظریه‌ی احتمال خود می‌نویسد

نکته‌ی اصلی که باید خاطرنشان سازم، این است که در تئوری احتمال من، خود احتمالات عددی نیستند.

کینز در خصوص امکان اندازه‌گیری بسیاری از کمیت‌ها تردید بسیار دارد. به عقیده‌ی وی،

امکان اندازه‌گیری هرگونه کمیتی باید مورد تردید باشد، مگر این که دلیل خوبی برای پذیرفتن آن ارائه شود.

به عقیده‌ی کینز، بسیاری از روابط اجتماعی قابل اندازه‌گیری نیستند... تحلیل کیفی - منطقی مقدم بر تحلیل کمی

یا ریاضی است... «ابتدا منطق، سپس ریاضیات، اگر مناسبتی باشد»، و البته منطق در فلسفه‌ی کینز در نهایت به

استفاده‌ی ناگزیر از قضاوت مستقیم یا شهود برمی‌گردد... ریاضیات (شبه ریاضیات) می‌تواند به راحتی بین تحلیل

نظری و واقعیت فاصله اندازد... اتکای بیش از حد به ریاضیات می‌تواند به جدایی تحلیل از عقل سلیم منتهی

شود. به همین لحاظ، او [کینز] در کتاب *رساله‌ای در احتمال*، ریاضیات را به عنوان حجابی تلقی می‌کند که برخی

قضیه‌های خلاف عقل سلیم را می‌پوشاند. کینز اقتصاد ریاضی زمان خود را به باد انتقاد می‌گیرد و معتقد است کوشش در تقلید از دقت ریاضی، تنها نتیجه‌اش موفقیتی زیبایی شناختی بوده و هیچ نفعی برای علوم اقتصاد نداشته است...»

داوری دکتر غنی‌نژاد در پایان این فصل چنین است:

«از منظر معرفت‌شناسی می‌توان گفت کینز با رویکردی شهودی بررسی‌های خود را آغاز می‌کند... تئوری عمومی وی در صدد توضیح و چاره‌جویی برای بیکاری ناشی از رکود اقتصادی است که به گمان او ریشه در ساختار نظام بازار دارد و بدون مداخله از بیرون این نظام، قابل مرتفع کردن نیست... مفاهیمی مانند تولید کل، تقاضای کل و سرمایه‌گذاری کل همان‌گونه که خود کینز تاکید دارد، جمع ارزش پولی متغیرهای نوعاً ناهمگن هستند که از سوی پژوهشگران محاسبه شده‌اند. بنابراین، تصور رابطه‌ی علت و معلولی میان این متغیرهای محاسباتی به لحاظ منطقی نادرست است.»

در فصل پایانی، دکتر غنی‌نژاد پیرامون رویکرد معرفت‌شناسی نظم خودجوش بازار صحبت می‌کند که با آن بحث از دیرباز آشنا هستیم. طبعاً این جا نظریه‌ی شناخت فردریک هایک (Hayek) عمده می‌شود. دکتر غنی‌نژاد هایک را فیلسوف‌ترین اقتصاددان و اقتصاددان‌ترین فیلسوف می‌شناسد. هایک معتقد است نهادهای بنیادی تمدن انسانی از قبیل قواعد اخلاقی، حقوقی، زبان، پول، بازار و دولت هیچ کدام با عقل خودآگاه فردی و با قصد و نیت طراحی و ایجاد نشده‌اند، بلکه همگی طی جریان تحولی طولانی به طور خودجوش به وجود آمده‌اند. هایک با طرح نظریه‌ی تقسیم معرفت (همه کس همه چیز نمی‌داند) مفهوم بازار را توضیح می‌دهد که مبتنی بر اطلاعات کامل نیست، و باید چگونگی استفاده کارآمد از اطلاعات پراکنده، مشخص و لذا جزئی و ناقص را یاد گرفت. تصمیمات نهایی باید توسط افرادی گرفته شود که درگیر با این شرایط و تغییرات‌اند. با در نظر گرفتن وضعیت واقعی اقتصاد

جامعه است که می‌توان به اهمیت کارکرد نظم خودجوش بازار پی برد. هائیک هماهنگی بین تصمیمات افرادی را که هیچ کدام از هیچ لحاظ (سلیقه، اطلاعات، توانایی و غیره) به دیگری شباهت کامل ندارند، بخشی از این نظم خودجوش تلقی می‌کند؛ بدین ترتیب که از طریق نظام اطلاع‌رسانی کارآمد قیمت‌ها، هماهنگی و سازگاری میان تصمیمات فردی را در سطح کل جامعه فراهم می‌آورد.

به هر حال، قطعاً باید بخش‌های ناخوانده‌ی این کتاب را بخوانم. روان و بی‌پیچ و تاب نوشته شده و خواندن آن به همه‌ی دست‌اندرکاران اقتصاد توصیه می‌شود.

دو کتاب *کاغذ زر و روان‌های روشن* دکتر غلامحسین یوسفی را دوست دیگری به مناسبت نوروز ارسال کرده بودند. فکر می‌کنم اواخر دهه‌ی شصت بود که دو کتاب *گزیده‌ی گلستان* و *گزیده‌ی بوستان سعدی* به انتخاب دکتر یوسفی را خواندم و مراتب دل‌بستگی ایشان به شیخ اجل سعدی بر من روشن شد. عشق و ارادتی که در هر کتاب غلامحسین یوسفی و از جمله همین دو کتاب نیز نمود و بروز دارد. چشمه‌ی روشن دکتر یوسفی نیز که دیدار با شاعران کلاسیک و معاصر است در همان زمان‌ها از چاپ خارج شد.

کتاب *روان‌های روشن* با سوژه‌هایی چون «حق و انصاف»، «ندای عدالت» و «فریاد مظلوم» از «روان‌هایی روشن و جان‌هایی پاک» صحبت می‌کند که «ساعت‌ها و روزهای بسیاری از زندگی نویسنده» را بارور کرده‌اند. مثلاً آموزش حق و انصاف از علی (ع)؛ یادگیری آزادگی از پیرخارکش؛ فراگیر نیک‌بینی و نیک‌اندیشی از عیسی (ع)؛ دادگری از یعقوب لیث؛ پاکدامنی زن در منظوم عطار، ایثار در داستان کبوتر طوقی کیلیه و دمنه؛ و آموزش دریادلی از شعر مادر ملک‌الشعراء بهار.

کاغذ زر مجموعه مقالاتی است که البته با سعدی شروع می‌شود، بعد مقاله‌ای در مورد حسن میمندی، بعد از آن
کیمیای سعادت غزالی، قابوس‌نامه‌ی عنصرالمعالی، ابوسهل زوزنی، مقاله‌ای در مورد موسیقی شعر فردوسی، ابوبکر
فُهستانی، ابومسلم خراسانی، و دیگران. در واقع، این کتاب مجموعه مقالاتی است که دکتر یوسفی در سال‌های
مختلف پیرامون شخصیت‌های عمدتاً ادبی و کتاب‌های کلاسیک زبان فارسی نوشته است.

مثل همه‌ی آثار دیگر دکتر یوسفی، کتاب‌ها مخاطب عام دارد؛ آسان خوانده می‌شود، و بی‌تنش پیش می‌رود. پر
است از شعر و مثل، و البته در صدر همه‌ی مطالب، نام پر افتخار سعدی شیرازی می‌درخشد.

خواندن آثار دکتر غلامحسین یوسفی روان است؛ خواننده‌ی عام ادبیات فارسی مثل من مشکلی با فهم متن‌های
ساده و صمیمی او ندارد. البته خواننده از کتاب‌های وی توقع تصویرپردازی‌های شاهرخ مسکوب یا تحلیل‌های
اندیشمندانه‌ی داریوش شایگان یا چنگیز پهلوان را ندارد. با کتاب‌های غلامحسین یوسفی می‌توان با چهره‌های
ادب فارسی آشنا شد، بدون این که انتظار نقد و تحلیل موشکافانه از آن آثار داشته باشیم. علاقه‌مندان به سعدی
طبعاً، آثار دکتر غلامحسین یوسفی را بیشتر خواهند خواند، چون وی برآستی ارادتمند این شاعر اندیشمند ایران
است.

کج رفتاری ریچارد تیلر به ترجمه‌ی دکتر شهابی، نشر مهربان، را دوستی دیگر ارسال کرده بود. خلاصه‌هایی از
کتاب را در تابستان گذشته که آماده می‌شدم در سمیناری در اصفهان پیرامون «اقتصاد رفتاری» صحبت کنم،
به‌انگلیسی خوانده بودم. کتاب تازه‌ای است از اقتصاددان رفتاری برنده‌ی نوبل 2017.

البته، بعد از این کتاب نیز ترجمه‌ی فارسی کتاب قدیمی‌تر تیلر با عنوان سُلّمه به بازار آمد که فرصتی برای
دانشجویان اقتصاد کشور است که با آثار تیلر بیش‌تر آشنا شوند.

در برنامه‌ی درسی مالی این جانب در دانشگاه‌ها، معمولاً یک یا دو جلسه به «مالی رفتاری» می‌پردازیم و زحمت ارائه در این دو کلاس بر عهده‌ی دکتر سعید اسلامی بیدگلی است. مباحثی چون «حسابداری ذهنی» و فعالیت مشترک با دانیل کانمن که در کتاب کج رفتاری آمده، در آن دو جلسه تدریس می‌شود.

کتاب را دانشجویان اقتصاد احتمالاً خواهند خواند و خلاصه‌ی آن را مترجم به‌خوبی در پشت جلد کتاب بدین شرح آورده است: برخی سؤال‌هایی که در «اقتصاد رفتاری» به آن‌ها پاسخ داده می‌شود، عبارت است از:

- آیا بین این که پول اجاره خانه را از جیب بدهیم و یا این که با سود بانکی یک‌ساله پردازیم، فرقی هست؟
(اثر مالکیت)

- چرا آدم‌ها برای وسایل جانبی یک خودروی گران‌قیمت به راحتی پول می‌دهند؟ (قانون وبر- فشنر)
- آیا زیان 100 هزار تومانی و سود 100 هزار تومانی، یکدیگر را خنثی می‌کنند؟ (نظریه‌ی چشم‌داشت)
- چرا قیمت یک کالا را می‌نویسند و بعد از خط زدن، قیمت کمتری را زیر آن می‌آورند؟ (مطلوبیت مبادله)

- آیا با وجود سیری، محتوای بشقاب غذای رستوران را تا انتها می‌خورید؟ (هزینه‌های هدررفته)
- چرا آدم‌ها پول را از دسترس خود خارج می‌کنند یا در قلمک و حساب‌های مختلف می‌گذارند؟ (کلاه به کلاه نکردن)

- چرا آدم‌ها پول بادآورده را راحت‌تر از پول دسترنج خود خرج می‌کنند؟ (اثر پول قمارخانه)
- چرا آدم‌ها جایزه‌ی کوچولوی زودتر را به جایزه‌ی بزرگ دیرتر ترجیح می‌دهند؟ (سوگیری به زمان حال)

- آیا بهتر نیست قانونی درباره‌ی مهلت پس آوردن کالاها و خدمات تصویب شود؟ (دوره‌ی خنک‌شدن)

- آیا نحوی جمله‌بندی یک مسئله می‌تواند تأثیر متفاوتی بر رفتار و واکنش آدم‌ها داشته باشد؟ (اثر قاب‌بندی)

- آیا افزایش کرایه‌های تاکسی در روز بارانی، کار نادرستی است؟ (حساسیت به انصاف)
- اگر سهام خاصی ارزشمند است، چرا این قدر دست به دست می‌شود؟ (اثر اطمینان بیش از اندازه)
- آیا برخورداری از گزینه‌های بیشتر، بر کیفیت انتخاب‌های ما می‌افزاید، (سوگیری به وضع موجود)
- چرا آدم‌ها در مسابقات تلویزیونی قمارگونه، غیرعقلایی رفتار می‌کنند؟ (وابستگی مسیر، فرضیه‌ی بادام‌زمینی درشت)

- و آیا باید انسان‌ها را به حال خودشان گذاشت و هیچ نیازی به تلنگرزدن به آن‌ها نیست؟ (قیم‌مآبی آزادی‌خواهانه)

- آیا خط‌مشی اهدای عضو در ایران از «ثبت‌نام برای اعلام عضویت» به «ثبت‌نام برای اعلام انصراف» تغییر کند؟ (گزینه‌ی پیش‌فرض)

از بخش‌هایی که من خوانده‌ام و توجه بنده را جلب کرد، بعضی نکات را این‌جا می‌آورم: تیلر به دنبال یافتن فصل مشترک اقتصاد، روانشناسی و علوم تجربی است. در کتاب کج رفتاری، تیلر توضیح می‌دهد که چطور اقتصاد، مالی و تحلیل‌های نظری مدرن دائماً تخصصی‌تر شده است، بدون این‌که این کار ارزش عملی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. با زبانی شیرین در این کتاب، مؤلف مطالعات، ضرب‌المثل‌ها و حتی لطیفه‌ها را به کار می‌گیرد تا به خواننده بگوید که مطالعات رفتاری یا رشته‌های علمی مرتبط با روانشناسی که روی انسان مطالعه می‌کنند، باید در اقتصاد جدی گرفته شوند، و از این‌رو در سپهر سیاست عمومی، انقلابی رفتاری ضرورت دارد. تیلر معتقد است

سازمان‌ها رشد نخواهند کرد، مگر این که پیش‌بینی‌های آن‌ها بر مردم متمرکز باشد و از این‌رو در درون سازمان‌ها می‌باید نظام‌های اخلاقی مناسب را مستقر کرد.

تیلر معتقد است نباید اقتصادها را سیستم‌های ضدضربه تلقی کرد؛ مدل‌های اقتصادی نباید از انسان غافل شوند. وقتی مدل‌های اقتصادی در دوره‌ی بحران مالی و یا حتی در جریان امور روزمره از کار می‌افتند و جوابگوی شرایط نیستند، اقتصاددانان به عواملی اشاره دارند که نامرتبط به موضوع است. با این مفهوم، او به سراغ نظریه‌ی چشم‌داشت (معادل از مترجم کتاب است prospect theory) می‌رود. کتاب *کج رفتاری* شرحی از پیشرفت اقتصاد رفتاری بر مبنای این نظریه است؛ اقتصادی که می‌گوید بازار هر چقدر هم که سخت‌گیر باشد و ظالمانه رفتار کند، باز هم انسان را به فرد کامل منطقی بدل نمی‌کند، و در بیشتر موارد عمل نکردن به «مدل عامل منطقی» مهلک و مصیبت‌آور هم نیست.

کتاب *آنگاه* به شرح مباحث حسابداری ذهنی می‌پردازد. در شرح این بحث وی ناچار است دو نوع «مطلوبیت» را از هم بازشناسد: مطلوبیت تملک و مطلوبیت مبادله. این جداسازی به این‌جا می‌انجامد که بگوییم مردم معمولاً بدون بودجه‌ریزی و از طریق حسابداری ذهنی دومخزنه پول خرج می‌کنند. مردم وقتی در معرض زیان‌های عمده قرار می‌گیرند، و امکان جبران دارند، ریسک‌های نامعمول و بزرگ قبول می‌کنند؛ حتی عده‌ای که خیلی ریسک‌گریزانند.

دوست عزیز دیگری کتاب *داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع شاهرخ مسکوب* را فرستاده بود. بیشتر ما مسکوب را از *مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار* و *سوگ سیاوش* می‌شناسیم. به‌رغم این که کمتر فردوسی را با اشتیاق می‌خوانم، اما این دو کتاب مسکوب را من هم به دلیل زبان شاعرانه و تصویرپردازی‌های زیبایش با علاقه‌ی وافر در جوانی و

مجدداً بعدها خوانده‌ام. ترجمه‌ی مسکوب از خوشه‌های خشم جان اشتاین‌بک را نیز در نوجوانی خوانده‌ام. در چند سال اخیر، بعد از صحبتی با آقای عبدالله کوثری پیرامون این شخصیت برجسته‌ی ایرانی و نیز بعد از مطالعه‌ی یادنامه‌ی مسکوب از چهار دوست متوفی خود (که یکی از آن‌ها هوشنگ مافی بود که با وی در اوایل دهه‌ی شصت کار کرده بود)، علاقه‌مند شدم که همه‌ی کارهای متأخر مسکوب را بخوانم. گفت‌وگو در باغ، سفر در خواب و خواب و خاموشی از آن جمله است. کتاب ارسالی دوست ما *داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع* را نخوانده بودم. کتاب درباره‌ی چند تن از اهل ادب (جمال‌زاده، حسن مقدم، عارف، نیما یوشیج، ...) در یک دوره‌ی معین است. مسکوب تلاش می‌کند با ذکر یک نمونه از کار این نویسندگان و شعرا، معنای تاریخی-اجتماعی آثار آنان را نشان دهد و بیانگر اندیشه‌ی تجدد و امید به دگرگونی اجتماعی در آثار آنان باشد. کتاب با مقدمه‌ای درباره‌ی ملی‌گرایی، تمرکز و فرهنگ گشوده می‌شود. نثر مسکوب روان و تحلیل‌هایش بی‌نقص (از نظر بنده‌ی عامی در این حوزه) است.

فصل دوم شعر افسانه‌ی نیما را بازگو کرده و تحلیل می‌کند. فصل سوم به دوست و همفکر نیما یعنی عشقی اختصاص یافته و «مریم ناکام» عشقی تحلیل می‌شود. فصل چهارم داستان «زن» در دوره‌ی استبداد است به قلم عارف. عارف خود در این زمینه می‌گوید، «اگر کسی بخواهد بداند وضع دوره‌ی استبداد چه بوده است، از همین مختصر می‌تواند پی ببرد.» سرگذشت زنی که در داستان «قصه‌ی پر غصه» می‌آورد، وسیله‌ای است برای نشان دادن وضع اجتماع استبدادی. فصل پنجم *رمان زیبای حجازی* را تحلیل می‌کند که انتقال روش حکومت «ایلی - روستایی» به دیوانسالاری دولت متمرکز سراسری را شرح می‌دهد. مسکوب فحش‌های اخلاقی در زمینه‌ی اجتماعی در این دوره را جفت بدیمن آزادی سقط‌شده و ناکام انقلاب مشروطیت می‌داند.

شاهرخ مسکوب با بررسی این چند اثر ادبی دوره‌ای خاص از تاریخ ایران، می‌کوشد نشان دهد جامعه‌ی فکری درمان‌پیشانی بعد از مشروطیت در ایران را در ایران‌نگری (ناسیونالیسم) و دولت مرکزی نیرومند می‌یابد. مسکوب می‌گوید، «با ایجاد تمرکز در دیکتاتوری رضاشاهی، اجرای شتابزده‌ی این اصلاحات آغاز شد و بیش‌تر آن‌ها به انجام رسید، اما آزادی فردی و اجتماعی در شمار آرمان‌های تباه‌شده‌ی انقلاب مشروطه بود که از همان آغاز پایمال هرج و مرج و سپس دیکتاتوری شد و هرگز هستی نپذیرفت.»

از دوست دیگری کتاب *ذهن و بازار* نوشته‌ی جری مولر به ترجمه‌ی مهدی نصرالله‌زاده (نشر بیدگل) را دریافت کرده‌ام. کتاب شرح نظام سرمایه‌داری در اروپاست. کتاب نظام سرمایه‌داری را موضوعی مهم‌تر و پیچیده‌تر از آن می‌داند که فقط به اقتصاددانان واگذار شود. از این‌رو، تاریخچه‌ی کل آرا و افکار در مورد اقتصاد سرمایه‌داری را بررسی می‌کند؛ یعنی پیامدهای اخلاقی، فرهنگی و سیاسی نظام سرمایه‌داری را نیز دنبال می‌کند. چنین است که در بررسی آرا در این کتاب اسامی فیلسوفان، جامعه‌شناسان،... را در کنار اقتصاددانان می‌یابیم: ولتر (بازرگانی و شرافت)، آدام اسمیت (دست‌نامرئی بازار)، موزر (ضدبازار)، برک (مدافع تجارت)، هگل (فلسفه‌ی حق)، مارکس (از رباخواری تا خون‌آشامی)، آرنولد (بی‌فرهنگی طبقات متوسط تجاری و صنعتی)، وبر و زیمل و سومبارت (کارآمدی و افسون‌زدگی، پول و فردیت، «قوم برگزیده»)، لوکاج و فریر (سرمایه‌داری و بیگانگی، ملی‌گرایی، قوم‌مدارانه)، شومپتر (روشنفکران بورژواکوب)، کینز (نقش دولت در بازار)، مارکوزه (منتقد سرمایه‌داری رفاه)، و نهایتاً هایک (نئولیبرالیسم).

جالب توجه است که در جای جای تحلیل در مورد موقعیت سرمایه‌داری در اروپا، نقش یهودیان را بسیار پررنگ می‌بینیم. مولر تحلیل می‌کند که لیبرالیسم تنیده با یهودیان است و با توجه به رابطه‌ی لیبرالیسم و سرمایه‌داری، همسان‌انگاری یهودیان با سرمایه‌داری در اذهان فراگیر است و دهه‌هاست که این تلقی کم‌رنگ نشده است.

خلاصه‌ی بحث مولر در این کتاب جالب بلند 700 و چندصفحه‌ای آن است که اروپاییان در دوره‌ی مدرن دائماً نگران «بازار» و اهمیت اخلاقی آن و نیز پیامدهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و البته اقتصادی آن بوده‌اند. روشنفکران نقش‌های مختلفی را برای خود در نظام بازار (سرمایه‌داری) متصور بوده‌اند. ویژگی حاکم در کشورهای در حال توسعه قابل‌گسترش به کل جهان نیست: روشنفکران همگی ضدسرمایه‌داری نیستند. کتاب بر این تصور قاطعانه خط بطلان می‌کشد. البته روشنفکران چپ چون مارکس و لوکاخ واقعاً از بنیاد ضدسرمایه‌داری بوده‌اند و در مقابل، روشنفکران راست چون سومبارت و فریر از بن مدافع سرمایه‌داری بودند. اما روشنفکرندانستن کسانی چون ولتر، اسمیت، هگل، وبر، شومپتر و کینز که مدافع بازاراند، سخن یاره‌ای است. نظرات موافقان و مخالفان همیشه متضاد نیست و بعضی تنش‌های بازار را هر دو طرف می‌پذیرند. اجماع نیز بسیار وجود دارد. مثلاً در قدرت تولید سرمایه‌داری اجماع وجود دارد؛ حتی مارکس و انگلیس نیز مجذوب قدرت تولیدی نظام سرمایه‌داری‌اند. می‌گویند سوسیالیسم قدرت تولید کاپیتالیسم را حفظ خواهد کرد، بدون آنکه نابرابری‌های آن را در امر توزیع و نقص‌هایش در حوزه‌ی اخلاق را داشته باشد.

اجماع دیگر به منشاء قدرت تولید بیشتر سرمایه‌داری برمی‌گردد: منفعت‌طلبی. در عین حال، تقریباً چپ و راست اجماع نظر دارند که منفعت‌طلبی به نتایج مطلوب اجتماعی نمی‌انجامد. بیشتر متفکران بر ناگزیردانستن حاکمیت قانون برای حفظ نظام بازاری متمدن تأکید دارند و فقط معدودی نمی‌پذیرند که حکومت در تکمیل و پشتیبانی از بازار نقش دارد. روشنفکران مدافع بازار غالباً بر نیاز به نهادهای هم‌عرض تأکید دارند. آنان به صراحت یا تلویحی

گفته‌اند که منش‌ها، خصلت‌ها، فضیلت‌ها و تجاربی که بازار مشوق و تقویت‌کننده‌ی آنهاست تکافوی شکوفایی انسان را نمی‌کند.

کتاب از مقایسه‌ی نهاد «بازار» و نهاد «خانواده» نتایجی ارائه می‌کند و به نقش نهادهای فرهنگی و انجمن‌های حرفه‌ای نیز می‌پردازد. بحث عمیقی نیز پیرامون «سرایت بازار» و «ارزش‌های بازار» می‌شود. آیا جهت‌گیری‌های مناسب برای «بازار» به معیار ابعاد زندگی انسان‌ها سرایت می‌کند؟ و آیا بازار اصلاً فاقد ارزش‌های مثبتی است؟ در واقع، کتاب بهتر از سایر منابعی که من خوانده‌ام به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا سرمایه‌داری برای مردم خوب است؟

عزیزی کتاب *فانوس جادویی زمان*، نوشته‌ی داریوش شایگان (نشر فرهنگ معاصر) را از سر لطف ارسال کرده؛ کتابی در مورد رمان مارسل پروست به نام *در جستجوی زمان از دست‌رفته*. چهارصد و شصت صفحه کتاب به منظور تشریح و تفسیر دیدگاه‌های پیچیده‌ی پروست در این شاهکار ادبی. رمان پروست در هفت جلد به ترجمه‌ی مرحوم مهدی سحابی (نشر مرکز) انتشار یافته. معمولاً خواندن چنین آثار نقد ادبی عمیق کار امثال بنده نیست، ولی تلاش کردم با مطالعه‌ی پیشگفتار، مقدمه و فصل اول کتاب، این خلاصه را ارائه کنم.

شایگان می‌گوید رمان پروست اقیانوس عظیمی است که خواننده‌ی بی‌قطب‌نما را سرگشته در دل امواج می‌کند. توضیح می‌دهد که پروست این تصور را که جويس رمان را به حد کمال رسانده، باطل می‌کند. در مقدمه از ده‌ها رمان‌نویس و نویسنده در باب عظمت *در جستجوی زمان از دست‌رفته* نقل قول می‌آورد. شایگان آن‌گاه به شرح سه مجلد اولیه‌ی کتاب (*طرف خانه‌ی سوان، گرمات، و زمان باز یافته*) و نحوه‌ی شکل‌گیری آن‌ها می‌پردازد و توضیح می‌دهد که هر جلد فی‌نفسه می‌تواند مستقل و کامل تلقی شود، اما بعد از خواندن کامل سه جلد است که

هویت شخصیت‌ها کاملاً بر خواننده معلوم می‌شود. البته، بعدها با وقوع جنگ و خانه‌نشین شدن پروست، طرح سه جلدی تغییر می‌کند و تعداد مجلدات با حفظ ساختار اصلی به هفت جلد می‌رسد. ساختار رمان به نحوی پایه‌ریزی شده که داستان در پایان در واقع از نو آغاز می‌شود (قرینگی). پروست در این مورد می‌گوید، «در شیوه‌ی ساخت کتاب برای گذر از سطحی به سطح دیگر، به جای بهره‌گیری از واقعیت، پدیده‌ی ناب‌تر و نفیس‌تری را برای چفت‌وبست کتابم اتخاذ کرده‌ام، همان پدیده‌ی خاطره‌را.»

مقدمه‌ی شایان آنگاه به ارتباط دیدگاه پروست و فروید در «خاطره‌ی غیرارادی» می‌پردازد. پروست که هر شخصیت داستان‌ش مجموعه‌ای است متشکل از معانی و وجوه مختلفی که متناسب با موقعیت‌های گوناگون تغییر می‌کنند، کارکرد عظیم دنیای ناآگاه را تا سر حد امکان جستجو کرده. او به تمامی احساسات عمیق انسانی نقب زده و به پدیدارهایی می‌پردازد که حتی از چشم بزرگ‌ترین فیلسوفان پنهان مانده است. روان‌شناسی پروست زندگی انسان را نه صرفاً از منظر زمان اجتماعی و زمان علمی، بلکه از دیدگاه «استمرار درونی» و متحرک (که در آن یک دقیقه‌ی رنج و ملال می‌تواند معادل یک ساعت باشد و یک ساعت وجد مساوی یک دقیقه) بررسی می‌کند. با این تعبیر از زمان، من واقعی دائماً در حال پیشروی و تحول است. بدین ترتیب و برای این من متکثر و برای تاکید بر دگرگونی‌های مداوم زمان، ابزار سنتی مرسوم نابسند است و ناگزیر پروست با اسلوب جدیدی طرح داستان را پیش می‌برد: زمان پیش از پروست، از مرزهای انتزاعی این مفهوم گذر نمی‌کند و شخصیت‌های داستان‌های کلاسیک خارج از خود، مطابق نظم تقویمی متحول می‌شوند؛ شخصیت‌های متغیر انسان پروست در لحظات گذرا استادانه ثبت می‌شوند.

شایگان به دلیل دقت در مشاهده‌گری، صداقت در جزءنگری، نظام‌نامه‌ی اخلاقی ساختاریافته، توان تحلیل احساسات آشفته، هنر بالای نثرنویسی، کلام طنزپردازانه، خلق حماسه‌ی مدرن، محتوای نوآورانه، جوهر فوق‌زمانی

شیوه‌ی نگارش، و کیفیت نگاه اکتشافی به جهان؛ پروست را دانشمندی اثبات‌گرا، فیلسوفی معتبر، هنرمندی بزرگ، و عارفی متعهد به تحلیل عقل معرفی می‌کند.

فصل اول کتاب پروست را پیش از آفرینش *رمان در جستجوی زمان از دست‌رفته* مورد بررسی قرار می‌دهد و تحلیلی دقیق از آثار دیگری وی به دست می‌دهد: کتاب *خوشی‌ها و روزها*، *رمان ناتمام ژان سانتوی*، ترجمه‌ی دو اثر راسکین از زبان انگلیسی و مقدمه‌ی مفصل پروست بر آن‌ها، اقتباس‌های ادبی از بالزاک و فلوبر و دیگران، نقدهای ادبی متعدد، و کتاب *صدسنت*.

متأسفانه فرصت مطالعه‌ی سایر فصل‌های کتاب فراهم نشد، اما طبعاً خواندن این اثر اندیشمندی چون داریوش شایگان - به‌ویژه برای کسانی که در حوزه‌ی ادبیات جهان مطالعات عمیق دارند - ضروری به نظر می‌رسد.

دوست دیگری مرا مشمول لطف خود قرار داده و کتاب *آمارتیا سن* با عنوان *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه‌ی محمد سعید نوری نائینی (نشر نی) را فرستاده بود که قبلاً خوانده بودم و نگاهی دوباره به آن انداختم. عنوان کتاب خود گویاست که سن، اقتصاددان برنده‌ی نوبل سال 1998، توسعه را در مفهوم گسترش آزادی‌های اساسی درمی‌یابد و آزادی را سنجه‌ی زندگی کیفی انسان‌ها می‌داند. وی نبود آزادی را با فقر و محرومیت همراه می‌داند. این آزادی است که سرمایه‌ی انسانی را قدرت می‌بخشد و به انسان در خلق سرمایه‌ی اجتماعی کمک می‌کند. سن نظام بازار آزاد متکی بر آزادی را بر نظام رایج بازار آزاد متکی بر مطلوبیت ترجیح می‌دهد. او به دنبال آن است که ضمن دستیابی به کارایی، آزادی‌های دیگر را نیز به رسمیت بشناسد؛ آزادی‌هایی را که در سازوکار کنونی بازار مورد توجه نیستند، یا مستقیم مورد توجه نیستند؛ مواردی چون آزادی آگاه‌بودن از طریق سواد و آموزش، آزادی سلامت از طریق بهداشت، آزادی مالکیت از طریق قانون، آزادی اشتغال، آزادی برخورداری از تأمین اجتماعی، ...

آمارتیا سن سازوکار بازار و رقابت آزاد را برای تخصیص منابع و رشد اقتصادی مهم می‌داند، اما قدرت آن را مطلق و کامل تصور نمی‌کند. او قبول ندارد که «مطلوبیت» و «درآمد» معیارهای اصلی رفاه جامعه‌اند. وی توانمندی را جایگزین درآمد می‌کند؛ آزادی‌های اساسی چون سواد، سلامت، اشتغال و مالکیت را در فرایند تصمیم‌سازی وارد می‌کند تا نقاط ضعف و نابرابری سازوکار بازار را در همان چارچوب نظری بازار حل و فصل کند. چنین است که در کنار سازوکارهای مبتنی بر رشد، سن از سازوکارهایی که مبنای حمایتی دارد، دفاع می‌کند و تأمین آموزش، بهداشت و درمان را منوط به دستیابی به حداقلی از رشد نمی‌کند؛ برای خدمات اجتماعی جهت بهبود کیفیت زندگی مردم اولویت قائل می‌شود.

سن گسترش آزادی را هم هدف غایی و هم ابزار توسعه تلقی می‌کند. توسعه برای او از میان برداشتن انواع ناآزادی‌هایی است که فرصت اندکی و انتخابی ناچیز برای نقش‌آفرینی و مختاربودن مردم بر جای می‌نهد. از نظر او، آزادی‌های اقتصادی و سیاسی همدیگر را تقویت می‌کنند. بر همین سیاق، فرصت‌های اجتماعی آموزشی و بهداشتی - درمانی که در اثر اقدامات عمومی فراهم می‌شوند، هم مکمل فرصت‌های مشارکت اقتصادی و سیاسی فردی هستند و هم ابتکارات در جهت غلبه بر محرومیت‌ها را تقویت می‌کنند. عنوان بخش‌ها و فصل‌های کتاب این اقتصاددان خود بیانگر نوع مطالبی است که در کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد: «چشم‌انداز آزادی»، «بازار و اهداف توسعه»، «بنیان‌های عدالت: اطلاعات، محدودیت‌های دیدگاه مطلوبیت‌گرایی، رفاه و توانمندی»، «فقر درآمد و فقر توانمندی»، «بازار، دولت و فرصت‌های اجتماعی: بازار، آزادی و کار، کالاهای عمومی»، «اهمیت مردم‌سالاری»، «حیات کودکان و نقش‌آفرینی زنان»، «جمعیت، غذا و آزادی»، «فرهنگ و حقوق بشر»، و «آزادی فردی و تعهد اجتماعی».

کتاب زبان حال موقعیت امروز ایران است که در آن مسیرهای توسعه به لحاظ فساد گسترده، سیاست‌زدگی اقتصاد و نبود رسانه‌ها و مجاری آزاد ارتباط مسدود شده است.

مطالعه‌ی این کتاب به همگان توصیه می‌شود.

از الطاف دوستان دیگری هم برخوردار شدم و کتاب‌هایی گرفتم که به خواندن آن‌ها نرسیدم. مسیر آشتی، از استبداد به دموکراسی نوشته‌ی دزموند توتو، برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل از افریقای جنوبی به ترجمه‌ی دوست نازنین بهمن احمدی امویی؛ اقتصاد سیاسی ایران دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، ترجمه‌ی دوست گرامی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (دوستی که سال‌هاست از وی خبری ندارم) که ده‌ها بار چاپ شده و بارها آن را خوانده‌ام و اولین ناشر این کتاب بوده‌ام؛ کتابی با عنوان کافه‌ی وصال نوشته‌ی علی صادقی که از مدیریت نامتعارف بر پدیده‌های متعارف صحبت می‌کند. کتاب درآمده‌ی بر بینامتنیت، نوشته‌ی بهمن نامور مطلق که پیرامون نظریه‌ها و نقدهای ادبی- هنری است. مقدمه‌ی آن را خواندم و بسیار تخصصی و بیرون از دایره‌ی علاقه و فهم من بود. دوستی هم جلد اول فکاهی مقدمه‌ای بر اقتصاد کلاین و باومن به ترجمه‌ی رضا ابراهیمی را فرستاده بود که اقتصاد به زبان ساده همراه با شکل و تصویر است. و بالاخره عزیزی هم لطف کرده و کتابی با عنوان گذری در کوی نیک‌نامان فرستاده که به چاپ چهارم هم رسیده است. کتابی غریب است که بخش‌های زیادی از آن را خواندم. کتاب نویسنده ندارد بلکه هیأت تحریریه‌ای دارد که نام آن مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعاتی شمس‌الشموس است. کتاب شرح زندگی 75 نفر را بدون نظم یا روش‌شناسی خاص شرح می‌دهد و چون لابد نویسندگان فرد واحدی نیستند، شرح هر کس به شیوه‌ای متفاوت و انتخاب افراد نیز به سلیقه‌هایی متفاوت انجام شده. در این فهرست هم آدم‌های شناخته‌شده‌تر چون پروین اعتصامی، شهریار، مدرس، مطهری... فهرست شده‌اند و هم افراد کم‌تر شناخته‌شده‌ای چون عبدالله احمدیه، عباس حری و محمد عابد تبریزی. هم ادیب و شاعر چون دهخدا، شفیعی

کدکنی و قیصر امین پور معرفی شده‌اند و هم پزشک و حقوقدان و انقلابی چون کمال‌الدین آرمین، امیر ناصر کاتوزیان و مصطفی چمران؛ هم معمم چون سیدمرتضی نجومی، یحیی انصاری شیرازی و شیخ حسینعلی راشد و هم مکلا چون سید محمود حسابی، غلامحسین مصاحب و عباس سحاب؛ هم ایرانی چون محمدتقی بهار، هم خارجی چون توشی هیکو ایزوتسو؛ هم افراد در قید حیات چون محمود فرشچیان و هم درگذشتگان چون غلامحسین یوسفی و سعیدنقیسی. خلاصه کتاب کَشکولی است که با دل و احساس اعضای هیأت تحریریه تهیه شده. کتابی جالب و در عین حال غریب.